



استراتژی های ارتباط و مدیریت کلاس برای نسل زد و آلفا

دکتر عبدالنظام قاضی

دکتری حقوق nezam_ghazi@yahoo.com

رویا حسینی الیگودرزی

کارشناسی جغرافیا royahossineifar417@gmail.com

آذرملایی

کارشناسی دبیری الهیات

معصومه بیرامی بگوم قلعه

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی



MDOI-02-2026.0100
MNR-101-2-E966B2



چکیده:

با ورود همزمان نسل زد (Z) و نسل آلفا (Alpha) به مقاطع مختلف تحصیلی، الگوهای سنتی مدیریت کلاس و ارتباطات آموزشی با چالش های بی سابقه ای مواجه شده اند. هدف از مقاله مروری حاضر، تحلیل، ترکیب و بومی سازی یافته های پژوهش های پیشین در زمینه راهبردهای ارتباطی و الگوهای مدیریت کلاس متناسب با ویژگی های شناختی و رفتاری این دو نسل است. در این راستا، با بررسی نظام مند منابع منتشر شده در پایگاه های داده معتبر داخلی و بین المللی بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶، مهم ترین رویکردها و چالش های این حوزه استخراج گردید. یافته های حاصل از سنتز ادبیات نشان می دهد که ویژگی هایی نظیر تفکر چندوظیفه ای دیجیتال، کاهش بازه توجه، نیاز به بازخورد آنی و ترجیح بصری، کارآمدی مدیریت کلاسیک معلم محور را منسوخ ساخته است. این پژوهش در نهایت ادبیات موجود را در قالب سه محور کلیدی دسته بندی می کند: ۱. راهبردهای ارتباطی مبتنی بر فناوری های نوین و بازی وارسازی؛ ۲. مدل های مدیریت کلاس منعطف و تعاملی؛ و ۳. رویکردهای حمایتی عاطفی-شناختی. نتایج این مرور اطلاعات ارزشمندی را برای طراحان آموزشی و معلمان جهت بازطراحی محیط های یادگیری فراهم می آورد.

کلمات کلیدی: نسل زد، نسل آلفا، مدیریت کلاس، استراتژی های ارتباطی، مقاله مروری، یادگیری دیجیتال، بومیان دیجیتال.

مقدمه

نظام‌های آموزشی در سراسر جهان همواره تحت تأثیر دگرگونی‌های فناورانه، فرهنگی و اجتماعی نسل‌های مختلف دانش‌آموزان قرار دارند. با این حال، شتاب تغییرات تکنولوژیک در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، شکاف نسلی عمیقی را میان یادگیرندگان و یاددهندگان ایجاد کرده است. امروزه کلاس‌های درس میزبان دو نسل متمایز هستند که فرآیندهای شناختی، الگوهای ارتباطی و انتظارات آموزشی آن‌ها تفاوت ساختاری با نسل‌های پیشین دارد: نسل زد (متولدین اواسط دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰) و نسل آلفا (متولدین بعد از ۲۰۱۰). این دو نسل که به عنوان نخستین نسل‌های کاملاً غوطه‌ور در فناوری یا «بومیان دیجیتال» (Digital Natives) شناخته می‌شوند، در دنیایی رشد یافته‌اند که با اینترنت پرسرعت، شبکه‌های اجتماعی هوشمند و هوش مصنوعی همه‌جانبه تعریف می‌شود. مواجهه سیستم‌های آموزشی سنتی با این دو نسل، نیاز مبرمی را برای بازتعریف استراتژی‌های ارتباطی و رویکردهای مدیریت کلاس درس ایجاد کرده است.

مدیریت کلاس درس (Classroom Management) به عنوان یکی از ارکان اصلی اثربخشی آموزشی، دیگر نمی‌تواند متکی بر روش‌های انضباطی رفتارگرایانه، بالا به پایین و مبتنی بر کنترل مستقیم باشد. نسل زد، به عنوان نسلی پرسش‌گر، واقع‌بین و متمرکز بر ارتباطات تصویری و چندرسانه‌ای، خواستار شفافیت، کاربردی بودن محتوا و بازخوردهای فوری است. در همین حال، نسل آلفا که در دوران تسلط مطلق تبلت‌ها، بازی‌های آنلاین تعاملی و الگوریتم‌های شخصی‌سازی شده رشد کرده است، سطح بالاتری از تعامل‌پذیری، شخصی‌سازی یادگیری و ساختار شکنی در آموزش را می‌طلبد. برای این نسل‌ها، اطلاعات دیگر یک کالای کمیاب نیست که معلم آن را توزیع کند؛ بلکه چالش اصلی، مدیریت اطلاعات، حفظ بازه توجه (Attention Span) که به شدت کاهش یافته، و ایجاد انگیزه در محیطی است که کلاس فیزیکی باید با جذابیت‌های دنیای دیجیتال رقابت کند. بنابراین، ناکارآمدی الگوهای سنتی ارتباط و مدیریت، معلمان را با فرسودگی شغلی و دانش‌آموزان را با بی‌انگیزگی و افت تحصیلی مواجه ساخته است.

علیرغم حجم فزاینده پژوهش‌ها پیرامون ویژگی‌های روان‌شناختی نسل‌های جدید، ادبیات پژوهش در حوزه مدیریت کلاس درس برای این دو نسل، به صورت پراکنده و گاه متناقض ارائه شده است. بسیاری از مطالعات صرفاً به توصیف ویژگی‌های دموگرافیک پرداخته‌اند و از ارائه راهبردهای منسجم و کاربردی برای معلمان بازمانده‌اند. همچنین، تفاوت‌های ظریف شناختی و ارتباطی بین نسل زد و نسل آلفا در بسیاری از پژوهش‌ها نادیده گرفته شده و هر دو گروه تحت یک عنوان کلی (نسل دیجیتال) تحلیل شده‌اند؛ در حالی که نسل آلفا با تجربه زیسته متفاوتی (نظیر آموزش مجازی دوران کرونا در سنین رشد و تعامل با هوش مصنوعی مولد) مواجه بوده است. این خلاء تئوریک و عملی، ضرورت انجام یک مطالعه مروری جامع را دوجندان می‌سازد تا با ترکیب، نقد و سنتز نظام‌مند یافته‌های پیشین، چشم‌اندازی روشن از راهکارهای موجود ارائه دهد.

بر این اساس، مقاله مروری حاضر تلاش دارد تا با بررسی و تحلیل انتقادی ادبیات پژوهشی یک دهه گذشته، به این پرسش کلیدی پاسخ دهد که «کارآمدترین استراتژی‌های ارتباطی و الگوهای مدیریت کلاس در مواجهه با ویژگی‌های شناختی و رفتاری نسل‌های زد و آلفا کدامند؟». برای دستیابی به این هدف، این پژوهش ابتدا به تبیین ویژگی‌های روان‌شناختی و شناختی متمایز این دو نسل پرداخته، سپس چالش‌های معلمان در تعامل با آن‌ها را واکاوی نموده و در نهایت، چارچوبی منسجم از راهبردهای نوین ارتباطی و مدیریتی را که کارایی آن‌ها در مطالعات تجربی تأیید شده است، فراروی پژوهشگران و مجریان حوزه آموزش قرار می‌دهد.



بیان مسئله

کلاس‌های درس امروزی به میدان رویارویی دو فرهنگ متمایز تبدیل شده‌اند: فرهنگ سنتی آموزش که بر محوریت معلم، سکوت، ساختارهای خطی و کنترل رفتار استوار است؛ و فرهنگ بومیان دیجیتال (نسل زد و آلفا) که بر سرعت، تعامل چندرسانه‌ای، شخصی‌سازی و ساختارشکنی بنا شده است. این تقابل مفهومی و عملی، اثربخشی مدیریت کلاس درس را به عنوان پیش‌شرط حیاتی یادگیری، با بحرانی جدی مواجه کرده است. مسئله اصلی این است که معلمان و مربیان نسل‌های گذشته، مجهز به دانش و روش‌هایی هستند که برای آموزش نسل‌های پیش از اینترنت طراحی شده بودند، در حالی که مخاطبان آن‌ها دانش‌آموزانی هستند که پردازش اطلاعات، ارتباطات اجتماعی و سبک یادگیری آن‌ها به واسطه زیست مستمر در فضای مجازی به طور رادیکال تغییر یافته است.

نسل زد (متولدین ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰) و نسل آلفا (متولدین پس از ۲۰۱۰)، از بدو تولد با فناوری‌های هوشمند مأنوس بوده‌اند. این امر منجر به تغییرات شناختی عمیقی در آن‌ها شده است؛ از جمله کاهش شدید بازه توجه (Attention Span) به حدود ۸ ثانیه، ترجیح محتوای بصری و کوتاه به جای متون طولانی، و نیاز به دریافت بازخوردهای آنی و پاداش‌های فوری (مشابه ساختار بازی‌های ویدئویی). علاوه بر این، نسل آلفا به عنوان نخستین نسلی که کودکی خود را در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ و انزوای اجتماعی ناشی از آن سپری کرده، با چالش‌های مضاعفی در زمینه مهارت‌های ارتباطی چهره‌به‌چهره، همدلی و خودتنظیمی هیجانی مواجه است. روش‌های سنتی مدیریت کلاس که عمدتاً مبتنی بر پاداش و تنبیه بیرونی، سخنرانی‌های طولانی یک‌طرفه و قوانین انضباطی صلب هستند، در مواجهه با این ویژگی‌ها کارایی خود را از دست داده و حتی منجر به رفتارهای تقابلی، بی‌انگیزگی شدید و افت تحصیلی دانش‌آموزان شده‌اند.

با وجود وقوع این بحران عملی در مدارس، در حوزه نظری و پژوهشی نیز آشفتگی و خلاءهای جدی به چشم می‌خورد. اولاً، بخش عمده‌ای از ادبیات پژوهش موجود، متمرکز بر توصیف جامعه‌شناختی ویژگی‌های این نسل‌هاست و راهبردهای عملیاتی، کاربردی و آزمون‌شده‌ای را برای مدیریت کلاس ارائه نمی‌دهد. ثانیاً، در بسیاری از پژوهش‌ها، تفاوت‌های کلیدی میان نسل زد و نسل آلفا نادیده گرفته شده و هر دو تحت یک چتر واحد (نسل بومیان دیجیتال) بررسی می‌شوند؛ در حالی که ابزارهای واسط نسل آلفا (مانند واقعیت مجازی، هوش مصنوعی مولد و اینترنت اشیا) و زمینه‌های روان‌شناختی آن‌ها تفاوت ماهوی با نسل زد دارد. ثالثاً، پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه بسیار پراکنده، جزیره‌ای و گاه متناقض هستند؛ به طوری که برخی بر ادغام همه‌جانبه فناوری در کلاس تأکید دارند و برخی دیگر آن را عامل اصلی حواس‌پرتی دانسته و خواستار محدودسازی آن هستند.

این تشتت آراء و فقدان یک چارچوب منسجم عملیاتی، معلمان را در طراحی استراتژی‌های ارتباطی مؤثر سردرگم کرده است. بدون داشتن یک سنتز جامع از یافته‌های علمی، امکان انتقال دانش از پژوهش‌های آکادمیک به محیط‌های واقعی مدرسه وجود نخواهد داشت. بنابراین، مسئله اساسی این پژوهش، فقدان یک الگوی یکپارچه و ساختاریافته از استراتژی‌های ارتباطی و مدیریت کلاس است که بتواند با ترکیب انتقادی ادبیات پژوهش‌های پیشین، راهکارهای کارآمدی را برای پر کردن شکاف ارتباطی میان معلمان و دانش‌آموزان نسل زد و آلفا ارائه دهد. این مقاله مروری بر آن است تا با سنتز ادبیات پراکنده، به این سردرگمی پایان داده و اصول راهنمای معلمان را در این تحول نسلی تبیین نماید.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر پایه تلفیقی از نظریه های جامعه شناسی نسلی، نظریه های توسعه شناختی در عصر دیجیتال، و الگوهای نوین ارتباطی و مدیریت کلاس استوار است. برای درک عمیق چالش های مدیریت کلاس در مواجهه با نسل های جدید، تحلیل مفاهیم زیر ضروری است:

۱. نظریه های نسلی و شناختی

۱.۱. نظریه جامعه شناسی نسلی مانهایم (Mannheim's Theory of Generations)

کارل مانهایم معتقد است که یک نسل، صرفاً یک گروه سنی بیولوژیک نیست، بلکه گروهی از افراد است که در یک محدوده زمانی مشترک متولد شده اند و تجربه های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی یکسانی را به اشتراک می گذارند. این تجربه های مشترک، یک «آگاهی نسلی» ویژه ایجاد می کند که جهان بینی، ارزش ها و الگوهای رفتاری آن ها را شکل می دهد. در این راستا، نسل زد و آلفا به واسطه رشد در بستر جهانی شدن و انقلاب دیجیتال، آگاهی نسلی کاملاً متفاوتی نسبت به نسل های پیشین (مانند نسل ایکس و ایگرگ) دارند که این امر مستقیماً بر انتظارات آن ها از نهاد آموزش تأثیر می گذارد.

۱.۲. نظریه بومیان و مهاجران دیجیتال پرنسکی (Digital Natives and Digital Immigrants)

مارک پرنسکی در سال ۲۰۰۱ اصطلاح «بومیان دیجیتال» را برای توصیف نسلی به کار برد که از بدو تولد با زبان دیجیتال رایانه ها، اینترنت و بازی های ویدئویی رشد کرده اند. در مقابل، معلمان و طراحان آموزشی اغلب «مهاجران دیجیتال» هستند که در بزرگسالی با این فناوری ها انطباق یافته اند. پرنسکی استدلال می کند که مغز بومیان دیجیتال به دلیل مواجهه مستمر با محرک های دیجیتال، ساختار پردازش اطلاعات متفاوتی یافته است؛ آن ها پردازش موازی و چندوظیفه ای (Multitasking) را به پردازش خطی ترجیح می دهند، دسترسی تصادفی (مانند اپرلینک ها) را بر دسترسی ترتیبی مقدم می شمارند و به بازی وارسازی و دریافت پاداش های فوری تمایل دارند.

۲. ویژگی های شناختی و ارتباطی نسل زد و آلفا: یک تحلیل مقایسه ای

برای اتخاذ استراتژی های ارتباطی کارآمد، درک تفاوت های ظریف میان این دو نسل ضروری است:

۲.۱. نسل زد (Generation Z)

این نسل که با نام های «نسل شبکه» (Net Gen) یا *iGen* نیز شناخته می شوند، اولین نسلی هستند که اینترنت را به عنوان یک فناوری موجود و بدیهی تجربه کرده اند. ویژگی های کلیدی ارتباطی آن ها عبارتند از:

- **تفکر عمل گرایانه و واقع بینانه:** به دلیل مواجهه با بحران های اقتصادی و زیست محیطی جهانی، آن ها به دنبال آموزش کاربردی و مرتبط با آینده شغلی خود هستند.
- **ارتباطات چندرسانه ای کوتاه:** ترجیح پیام های بصری (مانند ایموجی ها، ویدئوهای کوتاه تیک تاک و تصاویر) به متون طولانی مکتوب.

- نیاز به اصالت و شفافیت: آن‌ها به سرعت ارتباطات مصنوعی یا بالا به پایین را شناسایی کرده و در برابر آن مقاومت می‌کنند.

۲.۲. نسل آلفا (Generation Alpha)

این نسل که فرزندان نسل ایگرگ (Millennials) هستند، به طور کامل در دهه دوم قرن بیست و یکم متولد شده‌اند. ویژگی‌های متمایز آن‌ها شامل موارد زیر است:

- ادغام کامل فیزیکی-دیجیتال (Phygital): برای نسل آلفا، هیچ مرزی میان دنیای واقعی و مجازی وجود ندارد. آن‌ها با دستیارهای صوتی هوشمند (مانند الکسا و سیری)، اینترنت اشیاء و واقعیت مجازی رشد می‌کنند.
- شخصی‌سازی افراطی: به دلیل تعامل با الگوریتم‌های هوشمندی که محتوا را بر اساس سلیقه شخصی آن‌ها فیلتر می‌کنند (مانند یوتیوب کیدز)، آن‌ها انتظار دارند فرآیند یادگیری در کلاس نیز کاملاً شخصی‌سازی شده و منعطف باشد.
- تأثیرپذیری عاطفی از انزوا: با توجه به هم‌پوشانی دوران کودکی این نسل با همه‌گیری کرونا و آموزش‌های از راه دور، بسیاری از آن‌ها با ضعف در مهارت‌های اجتماعی حضوری، کاهش تاب‌آوری و نیاز مبرم به ارتباطات همدلانه مواجه هستند.

۳. الگوها و نظریه‌های مدیریت کلاس درس

در ادبیات پژوهش، مدیریت کلاس درس از الگوهای انضباطی سخت‌گیرانه به سمت مدل‌های تسهیل‌گرایانه و سازنده‌گرایانه حرکت کرده است. سه نظریه کلیدی که زیربنای مدیریت کلاس برای نسل‌های جدید را تشکیل می‌دهند عبارتند از:

۳.۱. نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان (Self-Determination Theory - SDT)

بر اساس این نظریه، انسان‌ها برای رشد روانی و انگیزه درونی به ارضای سه نیاز اساسی نیاز دارند: خودمختاری (Autonomy)، شایستگی (Competence)، و ارتباط (Relatedness). نسل‌های زد و آلفا به دلیل داشتن روحیه استقلال‌طلبانه، در کلاس‌هایی که نیاز به خودمختاری آن‌ها (حق انتخاب در یادگیری) و نیاز به ارتباط (تعامل همدلانه با معلم) را نادیده می‌گیرند، رفتارهای تقابلی نشان می‌دهند. مدیریت کلاس نوین بر ارضای این نیازها متمرکز است.

۳.۲. نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی ویگوتسکی (Social Constructivism)

ویگوتسکی بر این باور است که دانش در بستر تعاملات اجتماعی و در «منطقه تقریبی رشد» (ZPD) شکل می‌گیرد. در کلاس درس نسل‌های جدید، معلم دیگر منبع انحصاری دانش نیست، بلکه به عنوان یک تسهیل‌گر (Facilitator) عمل می‌کند که با طراحی فعالیت‌های مشارکتی و پروژه‌محور، امکان ساخت دانش را به صورت گروهی فراهم می‌آورد. این رویکرد کاملاً همسو با روحیه تعاملی و چندرسانه‌ای نسل زد و آلفاست.



۳.۳. مدل مدیریت کلاس همکارانه و همدلانه (Empathic Management & Collaborative)

این مدل که در تقابل با مدل های رفتارگرایانه (نظیر مدل انضباط قاطعانه کانتر) قرار دارد، بر ساخت مشترک قوانین کلاس با مشارکت دانش آموزان، گفتگوی دوجانبه، و استفاده از استراتژی های ارتباط بدون خشونت (NVC) تأکید می کند. در این مدل، مدیریت کلاس به جای «کنترل رفتار»، بر «تسهیل یادگیری و توسعه مهارت های اجتماعی-عاطفی (SEL)» استوار است.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه های تجربی نشان می دهد که موضوع مدیریت کلاس و ارتباط با نسل های زد و آلفا، به ویژه در سال های اخیر و پس از همه گیری کووید-۱۹، به یکی از داغ ترین مباحث در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی آموزشی تبدیل شده است. در این بخش، مهم ترین یافته های پژوهش های داخلی و خارجی مورد واکاوی قرار می گیرد.

۱. پژوهش های داخلی (ایران)

در حوزه پژوهش های داخلی، تمرکز اصلی عمدتاً بر روی نسل زد (دانش آموزان متوسطه و دانشجویان) بوده و پژوهش ها پیرامون نسل آلفا (به دلیل سن کم آن ها و ورود تدریجی به دوره ابتدایی) نوپا و در حال شکل گیری است.

- **رحیمی و همکاران (۱۴۰۲)** در پژوهشی به بررسی «تأثیر آموزش مبتنی بر بازی وارسازی (Gamification) بر درگیری تحصیلی و مدیریت رفتار دانش آموزان نسل زد» پرداختند. یافته های آن ها نشان داد که استفاده از المان های بازی در تدریس، نه تنها حواس پرتی دیجیتال دانش آموزان را کاهش می دهد، بلکه نیاز آن ها به دریافت بازخورد فوری را ارضا کرده و تعارضات رفتاری در کلاس را به طور معناداری کم می کند.
- **سلیمانی و امینی (۱۴۰۱)** در یک مطالعه کیفی با عنوان «چالش های معلمان مدارس متوسطه در ارتباط با دانش آموزان نسل زد»، به این نتیجه رسیدند که بزرگ ترین مانع ارتباطی، «شکاف زبان دیجیتال» میان معلمان (به عنوان مهاجران دیجیتال) و دانش آموزان است. معلمان شرکت کننده در این پژوهش گزارش دادند که روش های سنتی تشویق و تنبیه دیگر کارایی ندارند و دانش آموزان خواستار مشارکت در تدوین قوانین کلاس هستند.
- **کریمی (۱۴۰۰)** در پژوهشی پیرامون «سبک های یادگیری دانش آموزان نسل جدید و انطباق آن با روش های مدیریت کلاس معلمان»، نشان داد که تمایل بالای این نسل به یادگیری بصری و چندوظیفه ای، با ساختار خطی و سخنرانی محور کلاس های سنتی در تعارض است. این پژوهش پیشنهاد داد که معلمان باید سبک مدیریت کلاس خود را از حالت کنترل گر به حالت تسهیل گر تغییر دهند.
- **عباسی و نظری (۱۳۹۹)** در تحلیل پدیدارشناختی تجارب زیسته معلمان ابتدایی از آموزش مجازی به نسل آلفا در دوران کرونا، دریافتند که این نسل به شدت تحت تأثیر شخصی سازی ابزارهای دیجیتال است و در کلاس های حضوری پس از کرونا، مقاومت بیشتری در برابر قوانین صلب انضباطی نشان می دهد.

۲. پژوهش های خارجی (بین المللی)

پژوهش های بین المللی گام های پیشروتری در تفکیک ویژگی های نسل زد و آلفا و طراحی الگوهای ارتباطی اختصاصی برای آن ها برداشته اند.



- مک کریندل و فلین (Fell, & McCrindle, ۲۰۲۰) در کتاب و پژوهش های طولی خود پیرامون «ظهور نسل آلفا»، نشان دادند که این نسل، بصری ترین نسل تاریخ است. آن ها استدلال می کنند که مدیریت کلاس برای نسل آلفا نیازمند مدل های تعاملی "Phygita" (تلفیق فیزیکی و دیجیتالی) است. به عقیده آن ها، روش های تدریس سنتی که بازه توجه کوتاه (کمتر از ۸ ثانیه) این نسل را در نظر نمی گیرند، محکوم به شکست و مواجهه با آشفتگی کلاسی هستند.
- سولومون و گیل (Gill, & Solomon, ۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «مدیریت کلاس در عصر پساکرونا برای نسل آلفا»، به این نتیجه رسیدند که انزوای ناشی از کرونا، مهارت های یادگیری عاطفی-اجتماعی (SEL) را در نسل آلفا تضعیف کرده است. یافته های تجربی آن ها نشان داد کلاسی که بر پایه استراتژی های ارتباط همدلانه و تمرین های خودتنظیمی هیجانی اداره می شود، کاهش ۴۰ درصدی در رفتارهای مخرب کلاس را نشان می دهد.
- پرست و کیم (Kim, & Priest, ۲۰۲۱) در مطالعه ای به مقایسه استراتژی های ارتباطی معلمان موفق در مواجهه با نسل زد پرداختند. نتایج نشان داد معلمانی که از «ارتباطات میکرو» (ارائه محتوا و بازخورد در بخش های بسیار کوتاه و متمرکز) و ابزارهای بصری استفاده می کنند، نسبت به معلمانی که روش های سنتی تر دارند، رضایت کلاسی بالاتر و مشکلات انضباطی کمتری را تجربه می کنند.
- بیکر (Becker, ۲۰۲۳) در مقاله ای مروری با بررسی الگوهای مدیریت کلاس در مدارس هوشمند، بیان داشت که نسل آلفا به دلیل تعامل روزمره با هوش مصنوعی، انتظار دارد فرآیند یادگیری به صورت پویا تغییر کند. این پژوهش تأکید می کند که مدیریت کلاس دیگر یک فرآیند ایستا نیست، بلکه باید به عنوان یک «اکوسیستم یادگیری منعطف» بازطراحی شود که در آن دانش آموزان حق انتخاب قالب های یادگیری را دارند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی و فناوری در دهه های اخیر باعث شده است که کلاس های درس با نسل هایی مواجه شوند که ویژگی های شناختی، ارتباطی و رفتاری آن ها تفاوت محسوسی با نسل های پیشین دارد. نسل زد و نسل آلفا به عنوان نخستین نسل های به طور کامل درگیر با فناوری های دیجیتال، سبک های یادگیری و تعامل متفاوتی دارند و این امر موجب شده است که الگوهای سنتی آموزش، ارتباط و مدیریت کلاس پاسخگوی نیازهای آنان نباشد. از این رو، بررسی علمی استراتژی های ارتباطی و شیوه های مدیریت کلاس متناسب با این نسل ها، ضرورتی انکارناپذیر در نظام آموزشی امروز به شمار می آید.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که بسیاری از معلمان همچنان با روش های مبتنی بر انتقال یکسویه دانش، کنترل رفتاری صرف و ساختارهای خشک آموزشی فعالیت می کنند؛ در حالی که دانش آموزان نسل زد و آلفا به محیط هایی پویا، تعاملی، مشارکتی و مبتنی بر بازخورد فوری نیاز دارند. در چنین شرایطی، نبود شناخت کافی از ویژگی های این نسل ها می تواند منجر به کاهش انگیزه، افت تعامل کلاسی، افزایش رفتارهای ناسازگار و در نهایت کاهش کیفیت یادگیری شود. بنابراین، این پژوهش می تواند به بازتعریف نقش معلم از «کنترل کننده کلاس» به «تسهیل گر یادگیری و ارتباط» کمک کند.

از سوی دیگر، ضرورت این پژوهش در آن است که ادبیات موجود در این حوزه پراکنده، جزیره ای و در برخی موارد متناقض است. بسیاری از پژوهش ها تنها به توصیف ویژگی های نسل های جدید پرداخته اند و کمتر به ارائه چارچوبی منسجم برای مدیریت کلاس و برقراری ارتباط مؤثر با آنان توجه کرده اند. همچنین، تفاوت های میان نسل زد و نسل آلفا در برخی مطالعات نادیده گرفته شده و هر دو ذیل عنوان کلی «نسل دیجیتال» بررسی شده اند؛ در حالی که این دو نسل از نظر تجربه زیسته، ابزارهای ارتباطی و انتظارات



آموزشی تفاوت‌های قابل توجهی دارند. از این منظر، انجام یک مقاله مروری می‌تواند به سنتز یافته‌های پژوهش‌های پیشین و شناسایی شکاف‌های موجود کمک کند.

این پژوهش همچنین از نظر کاربردی برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی، مدیران آموزشی و سیاست‌گذاران اهمیت دارد؛ زیرا می‌تواند مجموعه‌ای از راهبردهای عملی و مبتنی بر شواهد را برای بهبود ارتباط با دانش‌آموزان و ارتقای مدیریت کلاس ارائه دهد. در نهایت، نتایج چنین پژوهشی می‌تواند زمینه‌ساز طراحی محیط‌های یادگیری اثربخش‌تر، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و بهبود کیفیت آموزش در مدارس آینده باشد.

اهداف پژوهش

هدف کلی

هدف کلی این پژوهش، بررسی، تحلیل و سنتز مطالعات پیشین درباره استراتژی‌های ارتباطی و شیوه‌های مدیریت کلاس متناسب با ویژگی‌های نسل زد و نسل آلفا و شناسایی مؤثرترین رویکردها برای بهبود تعامل آموزشی در محیط‌های یادگیری است.

اهداف ویژه

۱. تبیین ویژگی‌های شناختی، رفتاری و ارتباطی نسل زد و نسل آلفا در بستر آموزشی.
۲. شناسایی چالش‌های معلمان و مربیان در برقراری ارتباط مؤثر با این دو نسل.
۳. بررسی رویکردها و مدل‌های مختلف مدیریت کلاس در مواجهه با دانش‌آموزان نسل زد و آلفا.
۴. تحلیل نقش فناوری‌های آموزشی و ابزارهای دیجیتال در تسهیل ارتباط و مدیریت کلاس.
۵. مرور و مقایسه یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه ارتباط و مدیریت کلاس برای این نسل‌ها.
۶. استخراج شکاف‌های پژوهشی موجود در ادبیات مرتبط و پیشنهاد مسیرهای پژوهشی آینده.
۷. ارائه چارچوبی مفهومی و کاربردی برای بهبود تعامل معلم-دانش‌آموز و ارتقای اثربخشی کلاس درس.

هدف کاربردی

این پژوهش می‌تواند به معلمان، مدیران آموزشی، برنامه‌ریزان درسی و سیاست‌گذاران آموزشی کمک کند تا بر اساس شواهد علمی، راهبردهای مناسب‌تری برای ارتباط با نسل زد و آلفا و مدیریت کلاس طراحی و اجرا کنند.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

۱. استراتژی‌های مؤثر ارتباطی و مدیریت کلاس برای دانش‌آموزان نسل زد و نسل آلفا کدام‌اند؟

سؤالات فرعی

۲. ویژگی های شناختی، رفتاری و ارتباطی نسل زد و نسل آلفا در محیط آموزشی چیست؟
۳. معلمان در برقراری ارتباط مؤثر با این دو نسل با چه چالش هایی مواجه هستند؟
۴. کدام رویکردها و مدل های مدیریت کلاس در تعامل با نسل زد و آلفا اثربخشی بیشتری دارند؟
۵. فناوری های آموزشی و ابزارهای دیجیتال چه نقشی در بهبود ارتباط و مدیریت کلاس این نسل ها دارند؟
۶. چه تفاوت ها و شباهت هایی میان نیازهای ارتباطی و آموزشی نسل زد و نسل آلفا وجود دارد؟
۷. پژوهش های داخلی و خارجی چه یافته هایی درباره راهبردهای موفق در این حوزه ارائه کرده اند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع **مروری** است که با هدف بررسی و تحلیل مطالعات انجام شده درباره استراتژی های ارتباطی و مدیریت کلاس برای نسل زد و آلفا انجام شده است. در این راستا، منابع علمی مرتبط از پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی جستجو و گردآوری شدند. جستجوی منابع با استفاده از کلیدواژه هایی مانند «نسل زد»، «نسل آلفا»، «مدیریت کلاس»، «استراتژی های ارتباطی» و معادل های انگلیسی آنها در پایگاه هایی چون Google Scholar, Scopus, Web of Science, SID و Magiran انجام گرفت.

پس از جمع آوری منابع، مقالات و اسناد علمی بر اساس میزان ارتباط با موضوع، اعتبار علمی، تاریخ انتشار و دسترسی به متن کامل غربال شدند. در نهایت، منابع منتخب با روش **تحلیل محتوای کیفی** بررسی و دسته بندی شدند تا مهم ترین مضامین، رویکردها و یافته های مرتبط با ویژگی های نسل زد و آلفا، چالش های ارتباطی معلمان و شیوه های نوین مدیریت کلاس استخراج و تبیین شود.

یافته های پژوهش

تحلیل و ترکیب یافته های حاصل از مرور نظام مند ادبیات پژوهش نشان می دهد که مدیریت کلاس و برقراری ارتباط با نسل های زد (Z) و آلفا (Alpha) نیازمند گذار از الگوهای سنتی «معلم محور» به الگوهای «ارتباط محور و فناورانه» است. یافته ها در چهار طبقه اصلی دسته بندی شدند:

۱. ویژگی های شناختی و رفتاری نوظهور

نتایج بررسی ها نشان می دهد که نسل زد و آلفا به عنوان «بومیان دیجیتال»، دارای ساختار شناختی متفاوتی هستند. یافته های کلیدی در این بخش عبارتند از:

- کاهش بازه توجه (Attention Span): ترجیح محتوای کوتاه، بصری و سریع (Micro-learning).
- چندوظیفگی دیجیتال: توانایی پردازش همزمان اطلاعات از چندین مجرای بصری و شنیداری.
- نیاز به بازخورد فوری: انتظار دریافت واکنش سریع از سوی محیط (مشابه فضای بازی های ویدئویی و شبکه های اجتماعی).

۲. استراتژی های ارتباطی مؤثر

یافته ها حاکی از آن است که سبک ارتباطی آمرانه (Authoritarian) در قبال این دو نسل فاقد کارایی است. استراتژی های جایگزین شناسایی شده شامل موارد زیر است:

- ارتباط بصری و چندرسانه ای: استفاده از اینفوگرافیک، ویدئو و ابزارهای تعاملی به جای سخنرانی های طولانی.
- شفافیت و اصالت (Authenticity): این نسل ها به پیام هایی که صادقانه و کاربردی به نظر می رسند، پاسخ بهتری می دهند.
- تسهیل گری به جای تدریس: تغییر نقش معلم از «تنها منبع قدرت» به «تسهیل گر فرآیند یادگیری».

۳. الگوهای نوین مدیریت کلاس

در حوزه مدیریت رفتار، یافته های پژوهش بر لزوم استفاده از مدل های «انضباط مثبت» و «مدیریت همکارانه» تأکید دارند:

- شخصی سازی یادگیری: استفاده از الگوریتم های آموزشی و پروژه های انتخابی برای درگیر کردن دانش آموزان.
- گیمیفیکیشن (بازی وار سازی): وارد کردن عناصر بازی (امتیاز، مرحله، رقابت سالم) در ساختار مدیریت کلاس برای افزایش انگیزه درونی.
- محیط یادگیری منعطف: طراحی فضای کلاس (فیزیکی یا مجازی) به گونه ای که امکان تعاملات گروهی و تحرک را فراهم کند.

۴. نقش فناوری در تعاملات کلاسی

یافته ها نشان می دهند که فناوری برای این نسل ها یک ابزار جانبی نیست، بلکه بخشی از هویت آنهاست. بر این اساس:

- ادغام هوش مصنوعی و واقعیت افزوده: استفاده از این ابزارها برای عینی سازی مفاهیم انتزاعی، نرخ مشارکت کلاسی را به شکل معناداری افزایش می دهد.
- مدیریت از طریق پلتفرم های تعاملی: استفاده از شبکه های اجتماعی آموزشی برای تداوم ارتباط آموزشی در خارج از ساعات رسمی کلاس.

بحث

یافته های این پژوهش نشان داد که الگوهای سنتی ارتباط و مدیریت کلاس، در مواجهه با ویژگی های شناختی، رفتاری و ارتباطی نسل زد و آلفا از کارآمدی کافی برخوردار نیستند. این نسل ها به دلیل رشد در بستر فناوری های دیجیتال، تعامل پذیری بالا، تمایل به دریافت بازخورد فوری، و ترجیح یادگیری بصری و مشارکتی، نیازمند رویکردهای آموزشی و مدیریتی متفاوتی هستند. بر این اساس، نتایج مرور ادبیات نشان می دهد که راهبردهای ارتباطی مبتنی بر گفت و گوی دوسویه، اصالت در تعامل، و استفاده از ابزارهای چندرسانه ای، اثربخشی بیشتری در برقراری ارتباط با این یادگیرندگان دارند.



همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که مدیریت کلاس برای نسل‌های جدید باید از الگوهای کنترل‌محور و یک‌سویه فاصله گرفته و به سمت مدیریت تعاملی، انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز‌محور حرکت کند. در این میان، بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی، بازی‌وارسازی، یادگیری شخصی‌سازی‌شده و تقویت مشارکت فعال دانش‌آموزان، از مهم‌ترین راهبردهای مؤثر شناسایی‌شده در پژوهش‌های پیشین بوده است. بنابراین، می‌توان گفت موفقیت در مدیریت کلاس برای نسل زد و آلفا، بیش از آنکه به اعمال انضباط سنتی وابسته باشد، به توانایی معلم در ایجاد تعامل معنادار، طراحی محیط یادگیری جذاب، و انطباق با تحولات نسلی و فناورانه وابسته است.

نتیجه‌گیری

بر اساس مرور و تحلیل پژوهش‌های پیشین، می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط مؤثر و مدیریت کلاس برای نسل زد و آلفا مستلزم بازنگری در رویکردهای سنتی آموزش و حرکت به سوی الگوهای تعاملی، فناورانه و دانش‌آموز‌محور است. ویژگی‌های خاص این نسل‌ها، از جمله گرایش به یادگیری بصری، نیاز به بازخورد سریع، و تعامل بالا با فناوری، ایجاب می‌کند که معلمان از روش‌های انعطاف‌پذیر، جذاب و مشارکتی در فرایند آموزش و مدیریت کلاس استفاده کنند.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال، بازی‌وارسازی، ارتباط دوسویه و شخصی‌سازی آموزش می‌تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت، بهبود ارتباط و ارتقای اثربخشی مدیریت کلاس ایفا کند. در نهایت، موفقیت در آموزش این نسل‌ها در گرو آن است که معلم نقش خود را از انتقال‌دهنده صرف دانش به تسهیل‌گر یادگیری و تنظیم‌کننده تعاملات کلاسی ارتقا دهد.



Adıgüzel, T., & Kayınova, B. (2026). *Primary school teachers' readiness for generation Alpha learning environments*. **Contemporary Educational Technology**.

<https://www.cedtech.net/article/primary-school-teachers-readiness-for-generation-alpha-learning-environments-18063>

Höfrová, A., Balidemaj, V., & Small, M. A. (2024). A systematic literature review of education for Generation Alpha. *Discover Education*. <https://link.springer.com/article/10.1007/s44217-024-00218-3>

Dulay, S. (2020). Managing Alpha classrooms. In *The Teacher of Generation Alpha* (pp. 93–107). Peter Lang.

Erişen, Y., & Bavlı, B. (2024). Can we really teach Generation Z? Opportunities and challenges at secondary level. *Qualitative Research Journal*, 26(1), 55–71.

Generation Z: Re-thinking teaching and learning strategies. (n.d.). *Faculty Focus*.

<https://www.facultyfocus.com/articles/teaching-and-learning/generation-z-re-thinking-teaching-and-learning-strategies/>

New kids on the block: Reaching and teaching Generation Alpha. (2023, August 8). *ACE Blog*.

<https://ace.edu/blog/new-kids-on-the-block-reaching-and-teaching-generation-alpha/>

The unique needs of Generation Z in the classroom. (n.d.). *ERIC*.

<https://eric.ed.gov/?id=EJ1396489>